



زنگ خطر افزایش خانوارهای تک نفره

اعلام رسمی نتایج سرشماری آمار سال 1390 در روزهای اخیر، پاسخی دیرهنگام به انتظار افکار عمومی از یک طرف و مدیران خرد و کلان و اصحاب فن از طرفی دیگر بود.

مسئولان، نگران منفی شدن رشد جمعیت در ایران هستند

زنگ خطر افزایش خانوارهای تک نفره

جام جم آنلاین: اعلام رسمی نتایج سرشماری آمار سال 1390 در روزهای اخیر، پاسخی دیرهنگام به انتظار افکار عمومی از یک طرف و مدیران خرد و کلان و اصحاب فن از طرفی دیگر بود.

گروه نخست تنها به آمار کلی 75 میلیون نفری جمعیت و افزایش پنج میلیون نفری آن نسبت به سال 85 بسنده کردند، ولی جنبه‌های مختلف آماری برای گروه دوم آغاز یک راه است. بر پایه این آمار استادان به بحث و پژوهش روی می‌آورند و مدیران نیز بر اساس این داده‌ها، طرحی نو برای ملک و مملکت در می‌اندازند. در این میان افزایش خانوارهای تک‌نفره از نکات مهم و قابل تامل این آمار است؛ تک‌بازیگرانی که حضور پرتعدادشان، زنگ خطری است برای نهاد خانواده.

پرده‌هایی از یک زندگی

می‌خواهیم با هم به تماشای نمایش زندگی دیروز بنشینیم؛ نمایشی با تعداد زیادی بازیگر. اسمش خانواده گسترده است. بازیگران: پدر و پدربزرگ، مادر و مادربزرگ، نوه‌ها، عروس‌ها و ...

آنها سقفی داشتند و حیاطی فراخ برای گپ‌هایی که وقت و بی‌وقت کنار حوض یا زیر درخت شاتوت واگوبه می‌شد. گاه شب از نیمه می‌گذشت، اما کسی را میل سر گذاشتن بر بالین نبود. مهر و مهربانی بود، ادب و احترام به سالمندان، تقسیم غم‌ها بر بی‌نهایت و دست آخر این آیین‌دلان، روز دیگرشان را با طلیعه‌های پرمهر خورشید آغاز می‌کردند. این بود پرده‌ای از نمایش زندگی. که حالا سالیانی است از صحنه نمایش کنار رفته است. حتی خبری از این نوع خانواده‌های گسترده، در آمار رسمی منتشرشده نیز نبود.

در یک کلام، خانوار یک واحد آماری است با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی معین، مرکب از افرادی که در یک کانون زندگی می‌کنند (وحدت زندگی)، زیر یک سقف می‌خوابند (وحدت محل سکونت)، هم‌خرج هستند (وحدت بودجه) و دور یک میز یا سفره غذا می‌خورند (هم‌سفرگی). این تعریف جمعیت‌شناسان از خانوار است.

جمعیت که سیر صعودی گرفت، اعضای گروه نمایش خانواده گسترده رفتند پی معاش و کار دیگر. می‌گفتند دیگر کار در این گروه بزرگ نمایشی مقرون به صرفه نیست! گروه یا همان خانواده گسترده، آب رفت و آب رفت تا تبدیل شد به یک گروه نمایشی کوچک‌تر به نام خانواده هسته‌ای. اجرایشان بد نبود، اما رونق گذشته را نداشت.

بازیگران آن زن و شوهر در نقش‌های اصلی بودند که گاه با لبخند کودکانشان تکمیل می‌شد. کودکان در این صحنه قد کشیدند، نسلی در زمین‌های خاکی و با توپ‌های پلاستیکی فوتبال رویای آینده‌شان را یافتند؛ نسل بعد از آنها هم چشمان سیاهشان را به صفحه جادویی و مسحورکننده رایانه دوختند و بازی‌هایشان در فضای مجازی شکل گرفت. هندسه ذهنی این نسل، اما عجیب و متفاوت از آب درآمد، متغیر با نسل‌های پیشین. دیگر دشوار بود که یک نقش تعریف شده را برای اجرا در صحنه زندگی به آنها واگذار کرد. خود صاحب سبک و نقشی جدید شدند؛ بی‌راه‌نمایی، کنترل و حتی نظارت دیگران. البته کمی وجود داشت... و این‌گونه شد که صحنه برای اجرای پرده دیگری از بازی زندگی در چرخش ناموزون روزگار شروع شد.

پیش از نشستن به تماشای این پرده از نمایش باید تکلیف خود را با خانواده و خانوار مشخص کنیم تا نقش‌ها با هم اشتباه نشود. این هم تفاوت‌های این دو. خانواده از زن و شوهر و فرزند یا فرزندان تشکیل شده، در حالی که افراد خانوار الزاماً زن و شوهر نیستند. خانواده حداقل از دو نفر که از دو جنس هستند تشکیل می‌شود، در حالی که خانوار می‌تواند شامل تنها یک نفر باشد. اقتصاد خانواده مشترک است، در حالی که ممکن است هزینه اقتصادی خانوار مشترک نباشد و این مهم‌ترین تفاوت بین خانواده و خانوار است. در خانواده روابط خویشاوندی وجود دارد. در حالی که این شرط در خانوار ممکن است وجود نداشته باشد و افرادی که با هم زندگی می‌کنند هیچ‌گونه رابطه خویشاوندی نداشته باشند. به هر خانواری می‌توان خانواده گفت ولی هر خانواده‌ای را نمی‌توان خانوار نامید. بنابراین مفهوم خانوار کلی‌تر از خانواده است و آن را در بر می‌گیرد. به همین جهت در سرشماری از اصطلاح خانوار استفاده می‌شود.

مونولوگ‌های تک‌بازیگر

تك‌بازیگران در پرده جدید از نمایش زندگی، در خانه را که باز می‌کند سلام نمی‌دهد، چون کسی برای پاسخ گفتن حضور ندارد، با حرکت دست در تاریکی شب کلید برق را جستجو می‌کند، لامپ روشن می‌شود، اما چندان فروغی ندارد. رختخواب را که روبه‌روی تلویزیون پهن کرده بود، چند روزی می‌شود همان‌طور وسط پذیرایی به حال خود رها کرده است... #171؛ می‌خواهم تنها بر صحنه نمایش زندگی حضور یابم. «؛ او بیشتر احساساتش را با خود تقسیم می‌کند. واقعیتش این است که گاهی خود او از این بازی تک‌نفره و مونولوگ‌هایش به ستوه می‌آید! اما خود دست به انتخاب این سبک زندگی زده است.

نکته: بر مبنای آمارگیری اخیر، درصد خانواده‌های پنج شش نفره کاهشی قابل توجه دارد و بر شمار خانواده‌های تک‌نفره افزوده شده است

حال برای این که به اهمیت این پرده از نمایش زندگی پی ببرید به این اعداد توجه فرمایید؛ 21 میلیون و 185 هزار خانوار، آماری است که از نتایج سرشماری سال گذشته منتشر شده است. حالا فکرش را بکنید که از این فراوانی، 7/1 درصد آن تنها یک نفر جمعیت دارد! یعنی خانوارهای تک‌نفره‌ای که تا دو یا سه دهه پیش چندان رنگ و جلوه‌ای در جامعه ایرانی یا جایگاهی در آمارهای رسمی نداشت، در حال حاضر درصد قابل توجهی از تعداد خانوارهای ایرانی را تشکیل می‌دهد. در همین حال این درصد نسبت به سرشماری سال 1385، 2 درصد رشد را نشان می‌دهد. این نکته هم قابل توجه است که درصد خانوارهای تک‌نفره در آمار سال 1385 به نسبت سرشماری سال 1375، رشد دو برابری را نشان می‌دهد. بر مبنای نتایج سرشماری اخیر، بشدت از میزان خانوارهای پنج نفره و بیشتر کاسته شده است و در کنار آن سایر خانوارها (یک‌نفره تا چهار نفره) رشد قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. به زبان دیگر یعنی این که متوسط بعد خانوار کاهش یافته و از 4/03 نفر در سال 1385 به 3/55 نفر در سال 90 کاهش یافته است.

نقدی بر نمایش خانوار تک‌نفره

«؛ زندگی مجردی ارزش شده است. «؛ این را سعید خراطها، پژوهشگر اجتماعی به «؛ جام‌جم «؛ گفت. البته به گفته این استاد دانشگاه، این نوع ارزش‌داری آثار فراوانی است که می‌توان به تغییر ساختار جمعیتی به عنوان یکی از مهم‌ترین آنها اشاره کرد. او عنوان می‌کند: «؛ در چنین حالتی جامعه شاهد کاهش آمار ازدواج، کاهش جمعیت، بیماری‌های روحی و روانی و... خواهد بود. «؛

بررسی چرایی رشد خانوارهای تک‌نفره را باید در بسترها و شرایط اجتماعی و فرهنگی جستجو کرد. عواملی همچون نداشتن امکان ازدواج، میل به مستقل‌شدن، استقلال مالی دختران، تنوع‌طلبی، افزایش سطح تحصیلات، آزادی و اختیار نامحدود و... اما باز هم این تمام آن چیزی نیست که فرد را به انتخاب این سبک از زندگی سوق می‌دهد. به باور خراطها باید ریشه‌های این موضوع را در یک مجموعه مورد بررسی قرار داد. این نکته را هم باید متذکر شد که خانوار تک‌نفره در بین زنان و مردان سهم متفاوتی در جامعه دارند و در رده‌های سنی مختلف جای می‌گیرند.

اصطلاح دیگری که برای خانوارهای تک‌نفره به کار می‌رود خانوار مستقل است که از دیگر پیامدهای آن افزایش سن ازدواج است. محمدسعید ذکایی، عضو هیات علمی دانشگاه علامه با تاکید بر این موضوع می‌گوید: این موضوع درخصوص دختران بیشتر مشاهده می‌شود. به این معنا که دخترانی که به این شیوه زندگی می‌کنند از فشارهای اطرافیان برای ازدواج اندکی دور می‌شوند و در نهایت خود را با این شیوه زندگی منطبق می‌کنند.

دیگر نیاز به تاکید بر اهمیت نهاد خانواده در جامعه و فرهنگ ایرانی وجود ندارد، چون در این مورد اندیشمندان به تفصیل سخن رانده‌اند و کتاب‌ها نوشته‌اند. با وجود این پرسش اساسی همچنان پابرجاست که چرا اقبال به ازدواج و تشکیل خانواده در حال کاهش است؟ دکتر امان‌الله قرایی‌مقدم، جامعه‌شناس در پاسخ به این سوال اذعان می‌کند که در حال حاضر همچون گذشته، ازدواج باعث مستقل‌شدن افراد در جامعه نخواهد شد. وی بر این باور است که تعهد به خانواده و ازدواج در جوانان کم شده است، به همین دلیل به تنهایی رو می‌آورند و با روابط خارج از ازدواج روزگار خود را سپری می‌کنند. گرچه در کشورهای توسعه‌یافته این سبک به صورت گسترده‌ای وجود دارد، اما این موضوع را در ایران آن هم با این تعداد فراوانی باید موضوعی مهم و قابل توجه قلمداد کرد. یکی دیگر از تفاوت‌های خانواده ایرانی با ممالک فرنگی، بستن عهد زناشویی میان زوجین و سپس آغاز زندگی مشترک است. در حالی که در برخی کشورهای توسعه‌یافته، گروهی بدون ازدواج و تعهد رسمی زندگی مشترک و آزمایشی خود را آغاز می‌کنند. خراطها هم نشانه‌هایی از این تنوع‌طلبی را در بین برخی جوانان ایرانی غیرقابل انکار می‌داند.

البته خراطها به این نکته هم اشاره می‌کند که در بررسی موردی تک‌خانوارها، گاهی یک عامل همچون فقر به صورت برجسته خودنمایی می‌کند و در برخی موارد چند عامل مانند ادامه تحصیل و دوری از خانواده پرنسنگ‌تر است.

نهادهای رسمی و یک نقش آماتوری

قبلا هر کدام از اعضای خانواده یا خانوار نقشی ایفا می‌کردند در تکمیل هم. نهادهای رسمی نیز در جایشان ناظر بودند و نگاهبان ارزش‌ها. اما هنگامی که یک آسیب آن هم در سطح کلان جامعه را مورد تهدید قرار می‌دهد حضور و نقش فعال نهادهای رسمی ضرورتی است مهم و البته غیرقابل انکار.

بنا به گفته خراطها، بسیاری از مسائل اجتماعی ریشه در کژکارکردی نهادهای رسمی دارد. در حال حاضر رواج مادیگری، بیکاری، فقر، فحشا، فساد اداری و... وصله‌های ناجوری بر کالبد جامعه ایرانی است که البته همه و همه نیازمند و مستلزم برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و کارشناسی‌شده توسط مسئولان مربوط است. نباید این بخش از تراژدی را نادیده گرفت که همین عوامل سهم موثری در زوال ارزش‌های خانواده دارد که به باور خراطها نمی‌توان با مدیریت فله‌ای برای آن چاره‌ای اندیشید. گرچه جامعه در هر حالتی دردهای خود را التیام خواهد بخشید.

قصه ما هنوز به سر نیامده است، این نمایش همچنان بر صحنه زندگی از نوع ایرانی آن اجرا می‌شود و می‌رود تا خود را برای پرده‌های دیگری از آن با پایانی غیرقابل پیش‌بینی مهیا کند.

سامان عابری / جام جم